



انترناسیونال

۳۴۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۰ فروردین ۱۳۸۹، ۹ آپریل ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



صفحه ۳

اول ماه مه، یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر:

انقلاب به پیش!

علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و بردگی، برای آزادی و برابری!

اول ماه مه، یازده اردیبهشت، روز کارگران و همه انسانهایی است که جهانی دیگر میخواهند. روز اتحاد بشر علیه سرمایه است که ساکنین زمین را در یوغ مزد به بردگی کشیده است. خدایی که جلال و جبروت بارگاه آن جز شکل وارونه قدرت شگرف کار و خلاقیت بندگانش، انسانها، نیست. اول ماه روز اتحاد و مبارزه برای بازگرداندن اختیار به انسان است. ساختن جهانی آزاد، برابر، شاد، شکوفا و بمراتب زیباتر از جهان دریند فعلی است.

در ایران، اول ماه مه، صدبار بیشتر چنین روزی است. اینجا فی الحال انقلابی جریان دارد که علیه حکومت مشی آیت الله و اوباش میلیاردر اسلامی فوران کرده است. برای تحقق همان خواسته هایی قهرمانانه

ستون اول

شب و روز به فکر مقابله با انقلاب

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی به فکر انتقال دانشگاه های تهران به خارج شهر افتاده است. بهانه "ترافیک" است. اما هیچ کس با شنیدن این خبر تردیدی نکرد که بگوید این تلاشی برای دور نگهداشتن يك كانون جوشان مبارزه از توده مردم است. بگذارید اول اصل خبر را مرور کنیم: بنا به گزارشها موسی پورموسوی نماینده محمد باقر قالیباف شهردار تهران در گفتگو با خبرنگاری مهر میگوید "حجم عظیمی از تردد و جابجایی به واسطه وجود مراکز آموزشی اعم از مراکز آموزش عالی و مراکز کمک آموزشی در پیرامون فضایی است که از آن تحت عنوان فضای طرح ترافیک نام میبریم. موج عظیمی از نیروی انسانی هر روز صبح از اطراف شهر تهران و حتی خارج شهر به سمت مرکز شهر هدایت میشوند و طبیعی است که بار ترافیکی ناشی از این هجوم شهر را دچار آزدگی میکند. اگر چنین حالتی را بخواهیم تصور کنیم و حتی انیمیشن آنرا تهیه کنیم به این نتیجه میرسیم که برای وضعیت دانشگاههای تهران باید فکری کرد" پور موسوی با اشاره به مصوبه های متعددی که در دولت، شورای عالی امنیت ملی و وزارت علوم نسبت به خروج دانشگاهها از تهران وجود دارد، در باره این که چرا این طرح ها تاکنون اجرا نشده میگوید "طبیعی است که موانع ساختاری، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی منجر شده که این امر هنوز محقق نشود اما نظام مصمم است این امر را محقق کند" آری نظام (و نه فقط شهرداری تهران) مصمم است این امر را محقق کند. دلیلش روشن است. گویا

صفحه ۲

یک میلیون فاصله خط فقر تا دستمزد

شهلا دانشفر

دلیل وزیر نشده است. عبدالرضا شیخ الاسلامی بخوبی میداند که خط فقر کجاست. این موضوعی است که کل حکومت نسبت به آن واقف است و یک پای اصلی دعوایشان مساله خط فقر و هراس از شورش گرسنگان است. دعوایی که هم اکنون مجلس و دولت را به جان هم انداخته است. خودشان صد بار در این دعوایشان از اینکه تورم به ۶۰

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه فاصله خط فقر با حداقل دستمزد کارگران چقدر است، میگوید: نمی دانم خط فقر چقدر است، اگر میزان خط فقر را از حداقل دستمزد کم کنیم، فاصله آن بدست خواهد آمد! (عجب ذکاوتی) واقعا ایشان بی

صفحه ۳

سقوط حکومت قرقیزستان با قدرت

مردم خشمگین

سیامک بهاری

از آن پیش میروید که بتوان تصور کرد. صدها کشته و هزاران زخمی و تاسیسات دولتی منهدم شده و مردمی که در انتظار بهبود شرایط و خیم اجتماعی و اقتصادی هستند و لشگر گرسنگانی که با هجوم به فروشگاههای لوکسی نظیر "داردوی پلازا" و "نرادنی" در پی سیر کردن و تامین موقتی خود هستند تصویر کنونی جامعه است. بنا به گفته (رزا آتونبایوا) صفحه ۶

در پی تظاهرات های وسیع و میلیونی و سراسری و درگیریها و اعتراضات گسترده، بنا به تازه ترین خبرها دولت قرقیزستان سقوط کرده، رئیس جمهور فراری شده و دولت موقتی تشکیل شده است. سقوط دولت "قربان بیک باقی اف" و تشکیل دولت موقت در محل کاخ ریاست جمهوری در قرقیزستان، آخرین خبر در باره تحولات شتابنده این کشور تا این لحظه است. سیر حوادث سریعتر

مریم نمازی در یک سال گذشته



مریم نمازی يك چهره شناخته در سطح بین المللی است. او را بعنوان فعال حقوق زنان، مدافع سکولاریسم، و فعال ضد قوانین شریعه و يك شخصیت چپ و کمونیست و ضد حکومت اسلامی میشناسند. او هر سال در بسیاری از مناظره های تلویزیونی و رادیویی در رسانه های شناخته شده بین المللی با شخصیتهای مختلف شرکت میکند.

مصاحبه های بسیاری با او صورت میگیرد. و به سخنرانی های بسیاری دعوت میشود. قرار بود مریم در يك مصاحبه با نشریه انترناسیونال شرکت کند اما متاسفانه برای این هفته امکانش را نیافت. اینجا گوشه ای از مصاحبه ها و سخنرانی ها و

صفحه ۷

بازتاب هفته

فتوهای متعدد برای پرداخت بهای آب! کاظم نیکخواه
شاهزاده در تعلیق یاشار سهندی
در خبرها آمده بود... احمد فاطمی
يك روز تابستان در بغداد بهروز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

در صفحات دیگر

برای آزادی کارگران زندانی دست بکار شوید! صفحه ۱۴
سخنرانیهای مینا احدی در ماه آوریل صفحه ۱۴
گزارش فرشاد حسینی از ژاپن صفحات ۱۱-۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شب و روز به فکر مقابله با...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

حکومت این شده است که مدام طرح و پروژه و سیاست و استراتژی تازه ای به اجرا بگذارد تا مقابل اعتراض و شورش و حرکت مردم مانع ایجاد کند. تا آنجا که به دانشگاهها مربوط میشود، مهمترین طرح حکومت از همان اوایل روی کار آمدنش انقلاب کذایی "فرهنگی" بود. یک تعرض گسترده به دانشگاهها توسط طراحان و سران این حکومت و شخص خمینی طرح ریزی شد، دانشگاهها را دوسال تعطیل کردند، فیلترهای ایدئولوژیک گذاشتند، صدا استاد "غیر خودی" را اخراج و زندان و تصفیه کردند، دانشجویان بسیاری را دستگیر و اعدام و زندان کردند و بسیاری را اخراج کردند، و موج موج به دانشگاهها دانشجوی "خودی" صادر کردند. "انقلاب فرهنگی" یکی از صفحات خونین و پر از جنایت حکومت است که هیچگاه سران آن نمیتوانند گریبان خود را از آن خلاص کنند. اما این طرح علیرغم گسترده بودنش، علیرغم بیرحمانه بودنش، علیرغم همه جانبه بودنش، و علیرغم وحدت کلمه در بالای حکومت بر سر آن خیلی زود معلوم شد که یک شکست کامل است. اسناد این جنایت بارها افشا شده است و امروز همه کس میداند که اغلب سران کنونی جناح مغضوب نیز جزو دست اندرکاران این جنایت گسترده بوده اند. اما اقدامات و استراتژی هایی از این نوع را فقط در مورد دانشجویان اجرا نکردند. خیلی از کارخانجات را به پادگان تبدیل کردند و حراست و انجمن اسلامی ها و شوراهای اسلامی را بعنوان جاسوس و بازجو و نیروی سرکوب به کارخانجات گسیل کردند. کارگران را تکه تکه کردند و هر بخش را به پیمانکاری عمدتا خودی سپردند. مانورهای ضد شورش در شهرها راه انداختند. مساجد را به مرکز سرکوب و ضد شورش در محلات تبدیل کردند. گشتهای هرروزه در خیابانها راه انداختند. و بسیاری و بسیاری طرحهای مقابله با

انقلاب و شورش و اعتراض در سطح جامعه به اجرا گذارند. و علاوه بر همه این ها و در ارتباط به همه اینها، دستگاه زندان و اعدام و شکنجه و سنگسار و توحش را وسیعا به کار گرفتند. حقیقت اینست که دوام سی ساله این حکومت بر دریایی از نفرت و خشم میلیونی بخشهای گسترده مردم، در واقع باید بعنوان یک معجزه و یک موفقیت به حساب این حکومت گذاشته شود. فکر نمیکنم در تاریخ هیچ حکومتی توانسته باشد علیرغم اینهمه نفرت گسترده و میلیونی اینچنین طولانی مدت دوام آورده باشد. اما واقعیت و حقیقت دیگر اینست که این حکومت هیچگاه نتوانست جامعه را منکوب و خاموش و تسلیم کند. مردم در مقاطعی بویژه در دهه شصت بدرجاتی زیر سرکوب ساکت شدند. اما هیچگاه تسلیم نشدند. جنگ و جدال مدام در جامعه میان دانشجویان، زنان، کارگران، معلمان، و بخشهای مختلف مردم با این جانیان سرمایه جریان داشته است. شورشها، اعتصابهای هرروزه، راه بندانها و اول مه ها و هشت مارسها به جزئی از صحنه سیاسی ایران تبدیل شد. و نه فقط این مردم هر روز جلوتر آمده اند و سنگرهایی را تسخیر کرده اند. این را با اسناد و آمار و ارقام میتوان نشان داد. در این جدال این مردمند که جلوتر و جلوتر آمده اند. مبارزات هرسال گسترده تر شده است. رادیکال تر شده است. شعارها تند تر شده است. ابعاد اعتصابات و اعتراضات دانشجویان و کارگران در همین چند ساله اخیر و شعارها و خواستهایی که مطرح شده، و تشکل هایی که برپا شده، و مقابله های علنی ای که با سران حکومت صورت گرفته، انچنان وسیع است که تصور آن مشکل است که کسی فکر کند این جامعه ای تحت حکومت وحشی ترین حکومتهاست که دارد اینچنین میجوشد و جلو میرود. و آخرین گسترده ترین و زنده ترین آن انقلابی است که در یک سال گذشته به جریان افتاده و در آن مردم میلیونی به خیابان آمدند و در پیش چشم سران حکومت فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و مرگ بر اصل ولایت فقیه سر دادند. مساله بسادگی اینست که جامعه قانونمندی

های خود را دارد. و هیچ نیروی ضد انسانی و ضد اجتماعی و واپس گرایی نمیتواند با تاکتیک جنگی جلوی پیشروی یک جامعه دهها میلیونی را سد کند. اگر اکثریت مردم یک حکومت را نمیخواهند و عزم کرده اند آنرا به زیر بکشند، میشود سرنگونی حکومت را مدت زمانی عقب انداخت اما نمیشود آنرا تماما خط زد. مردم ایران تجربه یک انقلاب را پشت سر خود دارند. احزاب سیاسی و رادیکال خود را دارند. خواستههای روشن و شفاف و انسانی و رادیکالی به اعماق جامعه رسوخ کرده است. و یک حکومت درهم ریخته و ورشکسته مطلقا نخواهد توانست این جامعه را با تاکتیک و طرح و پروژه های دفاعی متوقف کند. مساله مهم اینست که حکومت اسلامی میخواهد در دل یک انقلاب و در حالی که مردم روحیه ای بسیار بالا دارند، به قدرت خود بیش از همیشه پی برده اند، و وحشت حاکمین و مزدورانشان را از انقلاب

خویش به چشم دیده اند، در این فضا میخواهد با تاکتیکهای نظامی و پراکنده کردن مردم و امثال اینها خود را سرپا نگه دارد. میخواهد استراتژی هایی شبیه انتقال دانشگاهها به خارج شهر را بدون اینکه حتی مثل دهه های پیش جرات کند هدف واقعی خود را بیان کند به اجرا بگذارد. بدون شک این طرح حتی اگر جمهوری اسلامی بر سر اجرای آن یک دست شود و به اجرا گذاشته شود، در همان قدمهای اول به شکستی مفتضحانه برای حکومت تبدیل خواهد شد. اگر "انقلاب فرهنگی" و آن تصفیه های خونین دوره خمینی نتوانست دانشگاه را در اوج قدرت ارتجاع حاکم به سنگر ارتجاع تبدیل کند، و درست عکس آن اتفاق افتاد، امروز صد بار بیشتر این شرایط وجود دارد که این طرح که تازه از وحشتشان آنرا میخواهند به بهانه "ترافیک" به اجرا بگذارند، بلافاصله به ضد حکومت تبدیل شود.*

مردم سردشت به ساختمان فرمانداری سردشت حمله کردند و دو خودرو و یک موتورسیکلت دولتی را به آتش کشیدند

عبور از مرز نیروهای مسلح رژیم به مردم تیراندازی میکنند. این تیراندازها تا کنون صدها نفر از مردم این منطقه را هدف گرفته و تعداد زیادی از آنها قربانی شده اند.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده و بستگان عثمان یوسفی و همه قربانیان، این عمل جنایتکارانه مزدوران حکومت اسلامی را محکوم می کند و اقدام جسورانه مردم مبارز سردشت در تعرض به این جانیان را ارج می نهد. نباید اجازه داد که این جانیان بیش از این مردم این منطقه را قربانی کنند و زندگیشان را به نیستی بکشانند. اعتراض شما مردم شرافتمند و مبارز سردشت می تواند تا قطع کامل هر گونه دست درازی به حریم کار و زندگی شهروندان ادامه داشته باشد. کمیته کردستان حزب از همه مردم شرافتمند کردستان و همه انسانهای آزادیخواه می خواهد که به این اعمال وحشیانه مزدوران رژیم اعتراض کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۵ آوریل ۲۰۱۰

بنا به اخبار دریافتی از سردشت روزیکشنبه ۱۵ فروردین ۸۹ یک کاسبکار به نام "عثمان یوسفی" ۴۱ ساله اهل روستای "بیژوه" در نزدیک روستای "ره زگه" توسط نیروی انتظامی کشته شد. در پی این اقدام جنایتکارانه، مردم سردشت در مقابل فرمانداری شهر سردشت تجمع کردند و خواهان جوابگویی مقامات دولتی به این جنایت شدند. مسئولین دولتی به جای جوابگویی به مردم آنها را تهدید کردند و خواستند تجمعشان را تمام کنند. مردم خشمگین بر شدت اعتراض خود افزودند و دو خودرو و یک موتورسیکلت دولتی را به آتش کشیدند و به ساختمان فرمانداری شهرستان سردشت و راهنمای و رانندگی نیروی انتظامی خسارات شدیدی وارد ساختند. در جریان این اعتراض گسترده، نیروی انتظامی اقدام به تیراندازی به سوی مردم نمودند.

لازم به توضیح است که کشتار مردم و تیر اندازی به آنها و به قتل رساندن کسانی که برای امرار معاش ناچار به عبور از مرز ایران و عراق هستند به امری روزمره تبدیل شده است. بطور متوسط هر روز در راههای

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یک میلیون فاصله خط فقر تا دستمزدها... از صفحه ۱

شهبلا دانشفر



درصد و ۷۰ درصد خواهد رسید و از خط فقر بیش از یک میلیون تومان سخن گفته اند و این حقایق تلخ را بر سرهم کوبیده اند. اما اینکه امروز ایشان در برابر رسانه هایش رو به جامعه چنین خفکان میگردند و خود را به ابلهی میزند، به روشنی دلیلش اینست که جرات نمیکند جلوی چشم جامعه از تصمیم جنایتکارانه ای که در مورد میزان حداقل دستمزد و تعیین آن به میزان ۳۰۳ هزار تومان سخن بگویند. چون میدانند که باید جوابگو باشد. او میگوید اگر خط فقر را از حداقل دستمزد کم کنید معلوم میشود، فاصله کجاست. چون از نظر این جانین خط فقر، آنجاست که دیگر هر کس که کلیه ای برای عرضه و فروش داشته، قبلاً آنرا به معرض فروش گذاشته باشد. آنجاست که انسانها با هر خفت و بدبختی هست، بقایشان را حفظ کرده اند و بقول پاسدار میلیاردر محصولی "به حد خدا شکم کودکان گرسنه نیز به اندازه کودکان در رواندای آفریقا، باد کرده نیست". همین محصولی که عهده دار وزارت رفاه جمهوری

بیزیانی دارد از اینکه همین رقم تعیین شده هم از سر کارگر زیاد است سخن میگوید. اما پاسخ کارگران به این جانیمان میلیاردر روشن است. کافی است کمی سواد ریاضی و عقل معاش داشته باشید که بفهمید این فاصله چقدر عظیم است. ما همان خط فقر یک میلیون و دویست هزار تومان طرح شده در مجلس مظهرتان را مینا میگیریم و نتیجه آن حساب منفی است که شما به کارگران و کل جامعه بدهکار میشوید. فاصله رقمی بالای یک میلیون تومان است که شما دزدان به جیب زده اید. بدین ترتیب کارگران از آغاز سال جاری ماهانه بیش از یک میلیون تومان بابت حداقل میزان دستمزدهایشان طلب دارند. بگذریم که این رقم یک میلیون و دویست نیز هنوز تمام حقیقت نیست. خط فقر هر روز رقمش بالاتر میرود و گرانی بیشتر میشود. نکته قابل توجه دیگر در همین گفتگوی کوتاه، شانه بالا انداختن وزیر کار حکومتی است که در قبال وضع معیشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان و کل جامعه، هیچگونه تعهد و مسئولیتی بر دوش نمیگیرد. وزیر کاریست که ظاهراً خبر ندارد خط فقر کجاست، چون خودش و خانواده اش و کل دستگاه حکومتی شان در میان پولهای چپاول شده شان غلت میزنند.

حسابهای میلیاردری شان در حسابهای متعدد در خارج کشور جاریست و همین دو هفته اخیر بود که ماجرای پولشویی سپاه پاسدارانشان در بحرین نیز بر ملا شد. اما فاصله خط فقر تا دستمزد تعیین شده را کارگران سالهاست که دارند با اعتراضاتشان و با مبارزات هر روزه شان به این رژیم فاسد و جنایتکار اعلام میکنند و در ادامه چنین مبارزاتی است که اوضاع جامعه به شرایط انقلابی امروز کشیده شده است. فاصله خط فقر و دستمزد تعیین شده را از کارگران نیشکر هفت تپه باید پرسید که وقتی ماهها دستمزدها را نپرداخته اند و با حداقل دستمزد زندگی میگذرانند، با فریاد کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم، به خیابان ریختند و کل شهر را به حرکت در آوردند و با یک هجوم رییس حراست کارخانه را هم بیرون انداختند. خط فقر را باید از کارگر مخابرات راه دور شیراز پرسید، که مزدش را باید با چنگ و دندان و با اعتراض هر روزه اش از حلقوم این جانیمان بیرون بکشد و با مزد کمی که میگیرد، توان فرستادن فرزندش به مدرسه و خرج دوا و درمانش را ندارد. خط فقر را باید از معلمی که اعتراض میکند و میگوید معیشت منزلت حق مسلم ماست و صدای اعتراضش را بلند

اول ماه مه، یازده اردیبهشت، ...

از صفحه ۱

وضع موجود ندارد و علیه هرگونه جهل و تبعیض و بهره کشی است. طبیعی است که برای پیشروی و به سرانجام رساندن انقلاب جاری باید صاحبان اصلی آن با قدرت تمام به جلوی صحنه بیایند. اول مه سنتی برای به میدان آمدن کارگران است. جمهوری اسلامی توانسته به قیمت فلج و رسوایی و انزوای بی سابقه خود، با جنایات بی حد و حصر و اعمال نوعی حکومت نظامی، و همچنین به مدد هیاهوی مزورانه "خشونت نکند" اپوزیسیون طرفدار رژیم، موقتا عرصه ابراز وجود خیابانی انقلاب حاضر را تنگ کند. اول مه فرصتی است تا توازن قوای فعلی را به زبان جمهوری اسلامی و به نفع انقلاب و مردم تغییر داد. فرصتی است تا برای شکل دادن به یک رهبری چپ و رادیکال گامی مهم

به جلو برداشت.

اول مه فرصتی است تا در هر کارخانه، هر مدرسه، هر بیمارستان، هر دانشگاه، هر محله و میدان شهر بار دیگر دور هم جمع شد، بیانیه و قطعنامه صادر کرد و بر خواسته ها و مطالبات بحقی که بارها در اجتماعات کارگری، معلمان و دانشجویان طرح شده تاکید گذارد. خواسته هایی نظیر آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، محاکمه آمرین و عاملین کشتارها و اعدام، لغو مجازات اعدام، لغو حجاب و آپارتاید جنسی و غیره. بویژه باید بر پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و یک میلیون تومان حداقل دستمزد تاکید گذارد و در برابر فلاکت بی سابقه ای که جمهوری اسلامی برای امسال تدارک دیده به اعتراض برخاست. اول ماه مه همچنین فرصتی است تا خطاب به کارگران و مردم جهان سخن گفت و این روز را به

یک روز جهانی حمایت از انقلاب مردم ایران تبدیل کرد. حزب کمونیست کارگری از تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان، از تمامی زنان و مردان آزاده و همچنین از تمامی نیروهای سیاسی چپ و رادیکال و آزادیخواه دعوت میکند تا در اول ماه مه در داخل و خارج یکصدا و یکصد بر علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری به میدان بیایند. زنده باد اول مه! زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی! سرتنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ فروردین ۱۳۸۸، ۸ آوریل ۲۰۱۰

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا اینل با اینل با اینل بگردید

در آمریکا و کانادا با

بانک بزدی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۱-۶۱۶-۷۸۳۳۶۶
۱-۶۱۶-۶۷۱۷۱۸

اینل : babakyzadil@yahoo.com

زری اصلی (فوب کانادا - ونکوور) تلفن : ۶۰۴-۶۲۷۲۷۸۸۶
اینل : zariaslil@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۳۹-۳۹۱۷۰-۰۷۳۳۹۶۶
اینل : nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلسان) : تلفن : ۰۰۴۴-۰۹۲۴۴۴۴
اینل : jallilik@yahoo.com

مهن کوشا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۱۱۷۳۲۵۰۰۵۹۹
اینل : mahinkusha@t-online.de

گارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

جلیل جلیلی

ترجمه جمشید هادیان

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

شاهزاده در تعلیق

یاشار سهندی

در شماره گذشته همین نشریه (انترناسیونال) چند سوال ساده از رضا پهلوی (ولیعهد محمد رضا پهلوی) پرسیدم. ما میدانیم ایشان به خود زحمت جواب دادن نمی دهند. اولاً اینکه جوابشان به سوالات ما منفی خواهد بود مگر اینکه معجزه از نوع معجزات موسی روی دهد. دوماً این شاید مهمتر باشد که امثال ما در نزد ایشان تا همان حد "عزیز" هستیم که دقیقاً سوال نپرسیم. اما به يك سوال پاسخ صریحی داده اند که اینجا میخواهم به این بپردازم. مجله "اشپیکل" اخیراً در سفری که به آلمان داشتند به گفتگو با ایشان پرداخته و خانم الهه بقراط زحمت ترجمه آنرا کشیده اند. شاید بتوان مدعی شد که این اولین بار است که من به صراحت بیشتری نظرات ایشان را میخوانم. شاید فکر کرده اند خواننده آلمانی زبان است و چیزی از تاریخ این مملکت نمی داند اما به واقع ایشان همانطور که در این گفتگو اشاره کردند به دول غرب پیشند می کنند که وقت آن است که این دول با اپوزیسیون به گفتگو نشینند و ایشان پیش دستی کرده و گفتگو را شروع کرده اند! پر واضح است که منظور از اپوزیسیون خودشان هستند نه کسانی که عزم جزم کرده اند بساط دنیای کهن را برچینند و دنیای بهتری جایگزین آن سازند. تجربه ایشان از سی سال گذشته ایضا تاریخ ایران است که باید چشم طمعکاران به ایران را کور ساخت. ایشان همان ادبیاتی را بکار میبرند که شاه گذشته بکار میبرد و همان استدلالی را بکار میبرند که حکومت فعلی ایران در آستین خود دارد؛ یعنی جلوگیری از نفوذ بیگانه به این خاک پاک و مقدس.

به گفته ایشان در کار حکومت پدر ایشان "عناصری" منظور (منظور مارکسیستها) که با منافع خارجی پیوند تنگاتنگ داشتند. "اخلال میکردند. ایشان ادامه میدهد: " فشار تعیین کننده اما از خارج می آمد" و پدر مرحوم ایشان در کار چرخاندن مملکت دچار مشکل میشدند. به گفته شاهزاده: "از نظر تاریخی ایران همواره

یک طعمه فریبنده بود. و هنوز هم هست." تا همینجا میتوان نگاه ایشان را متوجه شد. یکی از اتهامات اصلی حکومت شاه سابق و شاه عمامه به سر کنونی همیشه این بوده است که مخالفان نظامشان را متهم به رابطه به بیگانگان کنند و تا بتوانند ایشان را سرکوب کنند. از تظاهرات اخیر در خیابانهای ایران بگیرد تا یک واقعه کوچک در زمان شاه، بلا درنگ دستگاه امنیتی و تبلیغاتی هر دو رژیم دخالت بیگانه را مقصر قلمداد میکردند؛ و همیشه گویا "دست انگلیس" در کار بوده است و شاهزاده نوبد میدهد که به این تاکتیک تسلط دارد و همه مخالفان را به ارتباط به بیگانگان متهم میکنند چون: ایران طعمه فریبنده بود و هنوز هم هست" و برای اینکه این منویات شاهانه برای مبارزه با بیگانگان حتماً اجرا شود ساواک، "واوک" یا هر نام کوفتی دیگری که داشته باشد لازم است. و این تنها جواب ایشان به یکی از سوالاتی است که مطرح کردیم و شاهزاده پاسخ داده است و جوابشان مثبت است شاهزاده میگوید: "هر کسی این را قبول دارد که یک حکومت به نهادی برای حفظ امنیت ملت (شما بخوانید دولت سرمایه داری) نیاز دارد." این هر کس البته جز کسانی مانند خود شاهزاده کی میتواند باشد؟ شاهزاده غوره نشده مویز گردیده؛ چرا که از الان تضمین میدهد که "نیروهای خودسر از این دستگاه امنیتی سواستفاده خواهند کرد. نظر ایشان را بخوانیم: "هر کسی این را قبول دارد که یک حکومت به نهادی برای حفظ امنیت ملت نیاز دارد. ولی آیا سوء استفاده از قدرت ممکن است؟ بله. آیا عناصری وجود دارند که حقوق بشر را زیر پا بگذارند؟ بله. هیچ کس نمی تواند اینها را منکر شود." (!) آیا توضیح بیشتری در این باب لازم است؟

ایشان معتقد است انقلاب ۵۷ يك "جنون انقلابی" بود که مردم هیسیتریک شده آنرا دامن زدن ایشان میگویند: "بیشتر مردم اصلاً نوشته های او (خمینی) را نخوانده بودند. پدیده ای که شکل گرفت، يك هیستری عمومی بود که ملت را به نوعی خلسه و نشنگی مذهبی فرو برد." همه ما میدانیم و همانطور که شاهزاده در این

گفتگو میگوید خمینی نتیجه کنفرانس گوادلوپ بود برای کاری که شاه دیگر قادر به انجام آن نبود. این بورژوازی بود که برای سرکوب انقلاب مردم ایران دست به عمل هیستریکی زد و مومیایی های تاریخ را بیرون کشید و به جان توده مردم انداخت تا سر مردم را به سنگ بکوبند. مردم ایران آزادی و رفاه میخواستند و نه خمینی؛ اگر آن گونه بود که شاهزاده میگوید که باید بعد از ۲۲ بهمن همه میرفتند به خانه هایشان (هر چند همان ۲۲ بهمن تمام بند و بست های "پشت پرده را نیز بهم ریخته بود.) همه ما شاهد بودیم که بعد از ۲۲ بهمن سرکوب خونین ادامه یافت تا ۳۰ خرداد ۶۰ به بار نشست. اما شاهزاده عمل مردم را هیستری میخواند همانگونه که خمینی و اسلام کل مردم را صغیر و گمراه میدانند که برای هدایت به صراط مستقیم از هیچ جنایتی روگردان نبوده و نیستند. ایشان در مقابل این سوال که فساد در دستگاه حاکمه زمان پدرشان وجود داشته است میفرمایند: "این در طبیعت تمامی جوامعی نهفته است که از چنین رشدی (حالا کدام رشد بماند!) برخوردار می شوند. شاید آن زمان در ایران نیز يك مشت کسانی بودند که ثروت انباشتند. ولی به امروز نگاه کنید که چه همه به عنوان بخشی از نظام به انباشتن جیب خود مشغولند. ولی چگونه می توان مانع فساد شد؟ تنها از طریق استقرار دولت حقوقی و لیبرالیزه کردن کشور." بله ایشان به صراحت میفرمایند طبیعی است که فساد باشد چون داشتیم رشد می کردیم و چون دارند الان رشد میکنند. صد البته شاهان همه به فکر رشد مملکت بودند و طبیعتاً فساد نیز بوده است! "دولت حقوقی" عنوانی است بی معنی، این روش همه کسانی است که نقشه بدبختی مردم را در جیب دارند هست که میهم گویی کنند، چون قرار است استثمار به قوت خود باقی باشد" باید کمر بندها را محکم بست؛ چون سی سال مملکت عقب افتاده است و باید بازسازی کرد و... و چقدر گوش ما از این حرفها پر است. شاه بیت سخن ایشان در گفتگو با اشپیکل یا در واقع با دول غرب این است که اگر روزی روزگاری ایشان به قدرت برسند دستگاه امنیتی خواهد بود، نیروهای خودسر حتماً هستند و بهانه برای سرکوب

فتوهای متعدد برای پرداخت بهای آب! کاظم نیکخواه

خامنه ای و چندین کرگدن دیگر اسلامی، فتوا داده اند که مردم باید بهای آب آشامیدنی خود را بپردازند و گرنه آب بر آنها حرام است و وضو و غسل و طهارت هم حرام میشود! شرکت آب و فاضلاب قم در برابر مردمی که ظاهراً وسیعاً از پرداخت بهای آب سرباز میزنند سراغ آیت الله ها رفته و به اصطلاح استفتا کرده. آنها هم آب را حرام اعلام کرده اند. فکر بکری است. پاسخ ها هم جالب است: آیت الله سید علی خامنه ای "امتناع از پرداخت قبوض آب بهاء جایز نیست و وضو و غسل با آن باطل است و مشترک بدهکار ضامن آن مبلغ است"، آیت الله ناصر مکارم شیرازی: بر همه مشترکین لازمست که آب بهاء خود را به موقع بپردازند، آیت الله "سید محمدعلی علوی گرگانی": "واجب است که قبوض آب توسط مشترکین پرداخت گردد و در بعضی از موارد که قبوض پرداخت نمی شود وضو و غسل و به تبع آن نماز و روزه هم مشکل دار می شود". حسین نوری همدانی: "واجب است که همه مشترکین بهای آبهای مصرفی خود را بپردازند" و همینطور الی آخر، زنجانی و علوی گرگانی و چند تای دیگر برای پرداخت آب بها فتوا داده اند. و غسل و وضو در آب پرداخت نشده حرام

اعلام کرده اند. داشتیم فکر میکردم شاید کارگران هم برای دستمزدهای يك سال و دوسال و سه سال پرداخت نشده شان باید بروند نزد همین کرگدنها و "استفتا" کنند و دیگر اینهمه اعتصاب و تجمع و اینها لازم نیست. اما مساله اینست که خیلی از دستمزدها پرداخت نشده کار همین جنابان یا "آقازاده ها"یشان است. تازه کارفرمای بیچاره صد تا دلیل ورشکستگی و پول نداریم و غیره دارد و بنابراین فتوایی صادر نخواهد شد. احتمال بیشترش اینست که فتوا بدهند که کارگران که بازو و توان دارند باید سه شیفته کار کنند و دست از اعتراض بردارند و ساکت باشند و گرنه دستمزدشان حرام است. بهر رو از همه اینها که بگذریم همینکه برای پرداخت بهای آب فتوا لازم شده است بیانگر میزان بسیار گسترده امتناع مردم از پرداخت قبوض آب است. و بی تردید بزودی شاهد گسترده تر شدن آن و سراسری شدنش خواهیم بود. حکومت قرار است تعرض گسترده تری را از نظر اقتصادی به مردم صورت دهد، و در فضای انقلاب و سرنوشتی طلبی و همچنین گسترش فقر و گرانی و مشقت مردم، تاکتیک نپرداختن طلبهای حکومت نیز به یکی از عرصه های جنگ با این رژیم تبدیل میشود. جمهوری اسلامی را با آیت الله ها و فتواها و سرتاپایش فقط باید به زیاله دان انداخت. و این چندان دور نیست.*

شاهزاده در تعلیق را دارند که شاید روزی به کار آیند. در داستانهایی کودکان، شاهزادگان موجودات سلیم النفس و عاشق پیشه هستند و چون به دلبر خود میرسند هفت روز و هفت شب جشن میگیرند و بعد به خوشکامی و مهربانی حکومت میکنند. اما شاهزاده ما نه سلیم النفس است و نه عاشق پیشه. اما چون فکر میکند شهر شلوغ است شروع کرده به هفت تیر کشی و در تخیلاتش "سور عزای ما را بر سفره نشسته است"! تجربه ما از سی سال حکومت اسلامی و نیم قرن سلطنت خاندان پهلوی به ما ثابت کرده است بیگانه با زندگی واقعی انسانها خدا شاه و آخوند است و برای شاهزاده متاسفیم که ما مردم واقعی هستیم و قصد نداریم بگذاریم کابوسی دیگر مسلط شود.*

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته

یک روز تابستان در بغداد



بهرروز مهر آبادی

یک روز آفتابی و داغ ژوئیه ۲۰۰۷ در میدانی در یک منطقه مسکونی در بغداد چند مرد به گفتگو مشغول شدند. موضوع صحبتشان معلوم نیست. شاید دوربین فیلمبرداری نمیر نورالدین که برای خبرگزاری رویتر کار می کند توجّهشان را جلب کرده است و درباره کار او و دیده ها و شنیده های کنجکاوی می کنند. دو هلیکوپتر نظامی آمریکائی مدل آپاچی در اطراف مشغول چرخ زدن هستند. حضور این چند مرد توجّه کارکنان هلیکوپتر را جلب می کند. اعلام وضعیت اضطراری میکنند. با ستاد خود تماس گرفته و خبر از وجود افراد مسلح به آر پی جی و کلاشینکوف می دهند. در فیلم اسلحه و یا حرکتی مبنی بر تهدید دیده نمی شود. مردان با آرامش با یکدیگر مشغول صحبت و در رفت و آمد هستند و گاهی شاید از سر کنجکاوی و یا نگرانی به هلیکوپترها نگاه می کنند. یکی از مردان با تلفن موبایل مشغول صحبت است. او هم از کارکنان خبرگزاری رویتر است. مردان روی زمین به آرامی با هم صحبت می کنند و خبر ندارند که بطور واقعی بالای سرشان چه می گذرد. سرنشینان هلیکوپترها با هیجان مشغول صحبت با یکدیگر و با ستاد فرماندهی خود هستند. خبر از وجود افراد مسلح به آر پی جی و کلاشینکوف می دهند و برای حمله به آنها اجازه می گیرند. دستور حمله صادر می شود یکی از هلیکوپترها به روی مردان شلیک می کند و چند ثانیه بعد که غلظت گرد و غبار و دود کم می شود، جنازه های چند مرد روی زمین نقش بسته است. هلیکوپترها همچنان در بالای میدان چرخ می زنند هیچ کس در اطراف دیده نمی شود. کارکنان هلیکوپتر با خوشحالی و هیجان خبر کشتار را به ستاد فرماندهی خود

می دهند. دوربین اجساد را نشان می دهد و یک مرد زخمی را که به زحمت خود را روی زمین می کشد. یکی از نظامیان داخل هلیکوپتر آرزو می کند که مرد زخمی دست به اسلحه ببرد تا بهانه ای برای شلیک مجدد داشته باشد. اما روی زمین اسلحه ای در کار نیست. یک اتومبیل استیشن از آنجا می گذرد، کارکنان هلیکوپتر اعلام آماده باش می کنند. دو مرد از ماشین پیاده می شوند و سعی می کنند مرد زخمی را به داخل اتومبیل برده و به او کمک کنند. اما حمله آتشبار هلیکوپتر آنها را نقش زمین می کند. سوراخ گلوله های متعدد که به ماشین اصابت کرده به وضوح دیده می شود. یک نظامی داخل میکروفون با غرور و خوشحالی می گوید: درست به شیشه اش زدم. و صدای خنده همکارانش شنیده می شود. چند دقیقه بعد نیروهای زمینی ارتش آمریکا سر می رسند. چندین تانک و زره پوش منطقه را محاصره می کنند و دهها نیروی مسلح به جستجوی محل می پردازند. اسلحه ای پیدا نمی شود. سربازان روی زمین خبر از وجود دو کودک مجروح در داخل اتومبیل می دهند. این کشتار جان دوازده نفر را گرفته است. هلیکوپترها به کار خود ادامه می دهند. در نزدیکی همان محل ورود سه چهار مرد به داخل یک خانه نظرشان را جلب می کند. نه تهدیدی دیده می شود و نه اسلحه ای. خانه با شلیک سه موشک از طرف هلیکوپتر با خاک یکسان می شود و هلیکوپترها به کار خود ادامه می دهند. بجز نام دو کارمند خبرگزاری رویتر نام هویت هیچکدام از کشته شدگان اعلام نشد. از سرنوشت دو کودک مجروح هیچ اطلاعی در دست نیست. هیچ کس به خاطر کشتن دوازده غیر نظامی و مجروح ساختن دو کودک محاکمه نشد. مقامات پنتاگون اعلام کردند که کشته شدگان شورشیان مسلح بودند و هلیکوپترها در یک درگیری ناچار به شلیک شده اند. اما فیلم گرفته شده توسط یکی از هلیکوپترهای ارتش آمریکا خلاف اینرا نشان می دهد. روز دوشنبه پنجم آپریل سایت اینترنتی ویکیلیکس (wikileaks) این فیلم را که در ردیف اسناد

در خبرها آمده بود...



احمد فاطمی

در خبرها آمده بود که حاکمان عربستان سعودی برآنند که یک "جادوگر" محکوم را اعدام کنند! جالب توجه اینست که این به اصطلاح جادوگر لبنانی است و نه عربستانی. مجری یک برنامه تلویزیونی پربیننده بوده است. او در گزارشها اینگونه معرفی شده است "علی حسین ثبات مجری سابق شوی پربیننده تلویزیونی ماهواره ای از کانال شهزاد بیروت بود که در برنامه هایش به پرسشهای تلفنی بیننده ها در باره آینده پاسخ و رهنمود های کلی میداد. در سال ۲۰۰۸ و در خلال انجام مناسک حج عمره پلیس ویژه پاسدار مذهب عربستان به هتل محل اقامت او در شهر مدینه یورش برده و دستگیریش میکنند. یک "محکمه" سعودی در سال گذشته، پشت درهای بسته و بدون حضور وکیل مدافع او را به جرم پیشگویی آینده به اعدام محکوم کرد". به همین سادگی! بنا به خبر قرار است او را همین روزها گردن بزنند! درست شنیدید، یک شومن تلویزیون را به جرم جادوگری دارند گردن میزنند. تعجب نکنید، برای حاکمان عربستان سعودی و مردم نگویند بختش این وحشیگری خبر تازه ای نیست. این همان بلائیس که اینان همیشه به سر مردم آورده اند، و گردن زدن هم همان شیوه مورد علاقه، معمول و متداولشان است. اینان دوست دارند که مردم را در شبهای جمعه و در ملا عام گردن بزنند. اگر بشود چند نو جوان، بخصوص اگر که "مونث" هم باشند را هم پیش از نقطه اوج نمایش به شلاق کشید فیه المراد. "ناموسنان" به حقیقت وارونگی این جهان ممکن است پرسند: باشد، اما چرا گردن میزنند؟ چرا در ملا عام؟ این نمایش البته که باید که رنگین باشد. فواره زدن خون از بدن بیس اثری ماندنی در بیننده دارد. و آیا حتی عمق چنین وحشتی را میتوان دید تصور کنید؟ آیا میشود از

این وحشیانه تر انسانی را کشت؟ چرا در ملا عام، در میدان ها و بازارها؟ به این دلیل ساده که این آدم کشان میخواستند که با این نمایش، وحشیگری و سفاکی رژیمشان را در معرض دید جماعت بگذارند. مگر نمایش بدون تماشاگر هم میشود؟ اینان هم مانند هر نقش آفرین دیگری هدفشان نه اجرای یک صحنه، برای آنکه صحنه ای اجرا کرده باشند، بلکه آنها بیست که به تماشاگرد آورده اند. هدف این وحشیگری توده های مردمند، و نه تصفیه حساب با آن نگویند که به هر بهانه ای سرش را در میدان از بدن جدا میکنند. هدف بنیادین این نمایش جنون، ایجاد وحشت و احساس فلج کننده ناتوانی در آستان نمایندگان قانون ملکوتی بر روی زمین خداست. این جانیان به خوبی میدانند که چه میکنند و برای چه میکنند. شبهای جمعه عربستان هنگام به خاطر سپردن آنست که صحنه پرداز این وحشیگری همیشگی کیست. شبهای جمعه یادآور شمشیر بیرحم قهر خدایست که اثر خونین خود را بر دیگر روزهای هفته، هفته ها، سالها، و نسلها میگذارد و ترس و زبونی را موروثی میکند. اهمیتی ندارد که این "جادوگر محکوم" یا همان مجری یک برنامه تلویزیونی کیست. برای این شمشیر بکفان خدای کعبه مسأله این نیست و هرگز هم نبوده است. او میتواند هر کسی باشد، حتی شما و من! ما همه بیشک به شوخی یا به جدی مرتکب همان گناهان نا بخشودنی ای شده ایم که او. آیا تا بحال پیش بینی کرده اید که هوای تابستان آینده چگونه خواهد بود؟ جرم "جادوگر محکوم" از همین قماش است! اهمیتی ندارد که این بخت برگشته چه کرده است. اما اینکه این محکوم به اعدام کیست و چه کرده است به خود حکم نا مربوط است؛ به یاد داشته باشید که این دنیایی وارونه است، و عربستان هم همان کشوریست که زیر سایه شمشیر آخته یکی از وحشیتترین رژیم های سیاسی معاصر، زنان را به "گناه" مورد تجاوز واقع شدن در میادین به شلاق میبندد. سوال این بود که چرا؟ آیا این حاکمان دیوانه اند؟ اینان انسانند یا سگانی دیوانه و هار؟ بی تردید شمار بسیاری از خاندان سعود را

نمی توان با هیچ محکی انسانها بی معمول دانست، اما این پرسش بالا را پاسخ نمیدهد. لاقبل ما جمهوری اسلامی زدگان پاسخ این پرسش را میدانیم. این وحشیگریها نه ناشی از جنون حاکمان و شیوخ ومفتی هایشان، که از سراسرتیصال است. آخر تا کی میتوان این دیوانه خانه را که اینان برای عاقلان بر پا داشته اند، گرداند و اعتراضی نشنید؟ اینها گرچه گردانندگان تا کنونی این وحشتکده بوده اند، اما اینک دیگر یگانه نقش آفرینان صحنه نیستند. تماشاگران خاموش پیشین این تراژدی تهنوع آور الهی مدیست که شکستن دیوارهای بندگی این رژیم خفقان آور و ضد انسانی شریعت اسلامی را مزده میدهند. درد اینان علی حسین ثبات نگویند و شوی خنده دارش نیست! مگر سرمایه گذارهای کلان و شب و روز این نمایندگان خدا بر اساس پیش بینی روند سود دهی صورت نمیگیرند؟ که اینک با دیدن یک پیشگوی روی خط تلویزیون ماهواره ای فریاد و مسلمانا برداشته اند و حکم گردن زدن او را صادر میکنند؟ درد این نیست؛ آنچه بردشان آورده ناتوانی رژیمشان است که با سرعتی شکفت انگیز کنترل جامعه "رعایای" تا دیروز "مومن" خود را از کف میدهد. هدف این وحشیگری له کردن و تحقیر بندگان، حفظ سلطه وحشت از خدا و سایه شمشیر بدست او بر جامعه بردگان خداست. اینان شبهای جمعه را به نمایش شلاق زدن و فلک و مثله کردن و سنگسار و گردن زدن اختصاص داده اند تا که به نکبت وحشت تا مغز استخوان، رژیم نحس خود را سر پا و آزادی و پیشرفت را در آچمز نگه دارند. پایادان کیم که این وحشیگری سیاست مؤثری در اعراب جامعه عربستان بوده است. اما همانگونه که در ایران اسلام زده این استراتژی قرون وسطائی به شکست رسیده و دیوار حکومت خلفای اسلامی سرمایه عمیقاً ترک برداشته است، اینجا هم دیر یا زود وحشت و بیچارگی به خشم و تصمیم بدل میشود. برای نجات جان زن ساحره و علی حسین ثبات و همه انسانهای اسیر پیا خیزیم. مرگ بر اعدا! زنده باد آزادی، برابری، حکومت انسانی!*

است که گوشه ای از آن را داریم در این کشور با درد و رنج و افسوس در اول قرن بیست و یکم مشاهده میکنیم*

و مستندی که تصویر شد متأسفانه منحصر بفرق نیست. مردم عراق در میان جنگ تروریستها دارند مچاله میشوند و این تاریخ خونین سرمایه

محرمانه ارتش آمریکا است، منتشر نمود. دولت آمریکا این سایت را تهدیدی برای امنیت آمریکا اعلام کرده است. بهررو صحنه تکان دهنده



بیعدالتی و فقر و تهیدستی گسترده در جامعه میشود، در حکومت به رهبری او، در همچنان بر همان پاشنه چرخید. در خلال انتخابات ریاست جمهوری در ماه سپتامبر سال گذشته، که در صحت آن تردید جدی وجود داشت، دولت برای تسلط بر موقعیت لزان خود، محدود کردن فعالیت سیاسی و فشار بر مخالفان را وسعت داد. محدودیت شدید آزادی رسانه ها و انتقاد از دولت تحت نام همگامی با "اجانب"، توقیف مداوم رسانه های مخالفان و سرانجام بازداشت گروهی رهبران احزاب مخالف در ماههای گذشته و در عین حال از همه تعیین کننده تر افزایش سرسام آور نرخ کالاها و هزینه سوخت و انرژی و افزایش بی سابقه تورم، زمینه را برای اعتراضات وسیع آماده کرد. دقیقا چهار روز پیش از انفجار اجتماعی اخیر، هنگام دیدار "بان کی مون" از قرقیزستان دستگیری جمعی از مخالفان دولت که به نبود آزادیهای اجتماعی و سرکوب خشن حقوق بشر اعتراض داشتند، سبب شد که وی تحت فشار اعتراضات مردم به سرکوب علنی آزادیها در جامعه، از ملاقات با "باقی اف" خود داری کند و درسخرانی اش علنا به وضعیت آزادیهای فردی و اجتماعی در قرقیزستان اعتراض کند.

این انفجار اجتماعی در حقیقت با رهبری و هدایت و دعوت هیچ حزبی بوقوع نپیوست. رهبر بسیاری از احزاب تا آخرین دقیق در صدد ملاقات با "باقی اف" بودند. از جمله رهبر حزب سوسیال دموکرات قرقیزستان، نخست وزیر سابق، سراسیمه خود را از مسکو به بیشکک رساند تا با "باقی اف" ملاقات و مذاکره کند. دو حزب اصلی سوسیال دموکرات و حزب آتامتن (وطن) از یک ماه پیش در نهایت خواستار استعفای باقی اف و برگزاری انتخابات مجدد بودند. اما مردم خشمگینی که حکومت را ساقط کرده اند، همچنان در حاشیه، در خارج کاخ ریاست جمهوری، در انتظار پاسخ خود برای پایان دادن به حرمان و فلاکتی که همه زندگیشان را در بر گرفته است باز هم به آرامش و صبر دعوت میشوند. قرار است، شش ماه دیگر هم صبر



سقوط حکومت قرقیزستان ...

از صفحه ۱

وزیر امور خارجه پیشین و رهبر دولت موقت تازه تاسیس؛ پارلمان قرقیزستان منحل اعلام شده و قرار است حداکثر ظرف شش ماه با تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات مجدد را فراهم شود. ادامه اعتراضات وسیع در چند شهر عمده دیگر از جمله در تالاس، ناریمان و توکموک با تصرف ساختمانهای دولتی و مقرر فرمانداریها و خلع سلاح نیروهای نظامی و سرانجام محاصره و تصرف ساختمانهای رادیو تلویزیون، پارلمان و کاخ ریاست جمهوری در بیشکک، پایان کار حکومت پنج ساله باقی اف بود. پنج سال پیش او سوار بر موج اعتراض علیه فساد و تباهی، بیکاری گسترده، وضعیت وخیم اقتصادی و وابستگی بی چون و چرا به روسیه با وعده بهبود اوضاع بقدرت رسید. برخلاف روایت رایج و فوکوس رسانه های غربی، قبل از آنکه نگاهها به موقعیت حساس قرقیزستان در آسیای میانه، بعلت وجود پایگاه نظامی استراتژیک "مناس" متعلق به امریکا و پایگاه نظامی "کانت" متعلق به روسیه و مرزهای مشترک با این و یا آن کشور جلب شود، در میانه غوغای مانورهای بمب افکنها و عملیات پیچیده نظامی - امنیتی پایگاهها، باید نگاهها و توجه عمیق به اکثریت مردم و مطالبات پایه ای آنها علیه فقر و تهیدستی و فلاکتی که با آن دست و پنجه نرم میکنند جلب شود! اینکه در ادامه این شورشها و اعتراضات و سقوط دولت چه پیش خواهد آمد دقیقا روشن نیست. اما روشن است که اساس رویدادی که در جریان است، خشم مردمی است که نان و رفاه و امنیت و آزادی میخواهند. بیکاری وسیع، گرانی سرسام آور، نبود آزادیهای مدنی بی تامینی و عقب نگه داشتن یک جامعه پنج میلیونی از تحولات صنعتی و تکنولوژیک جهان معاصر، رها شدن مردمی که چند دهه است اماح سیاست بازیهایی جنگ سرد، سپس بازیچه دست سیاست نظم نوین جهانی و عاقبت سیاست حکومتهای فاسدی که تلاش کردند با پاسخ به مدلها اقتصادی

کنند تا دولت موقت متشکل از رهبران و وزیران و کاربدستان سابق جای خود را به دوت جدیدی که باز هم از همین افراد تشکیل خواهد شد بدهد! وزیر امور خارجه پیشین (روژا آتونبایوا) که خود را رییس دولت موقت می خواند اعلام کرده است که با نیروهای نظامی به توافق رسیده است نیرویی که تا همین چند ساعت پیش با شلیک به مخالفین و مردم خشمگینی که قصد تصرف کاخ ریاست جمهوری را داشتند صدها کشته روی دست مردم گذاشت. انفجار اجتماعی قرقیزستان بدون تردید برای کشورهای همسایه در عین اینسکه لرزه بر اندام حکومتهایشان میاندازد، اما برای مردمی که با حکومتهایی نظیر آن درگیرند درسهایی بسیار آموزنده خواهد داشت! آنها که کاخ ریاست جمهوری را فتح کردند، تا یک زندگی بهتر را در جامعه پایه ریزی کنند، آنها که نیروی مسلح را خلع سلاح کردند تا به خونریزی خاتمه دهند، آنها که رادیو تلویزیون را تسخیر کردند تا به انتشار جعل و دروغ خاتمه دهند، باید خود راسا زمام امور را بدست گیرند! اما در غیاب

حزب و رهبری ای که مردم با اتکا به آن بتوانند این تحول را عملی کنند، اکنون امثال "آلماز آتامبایف" رهبر حزب سوسیال دموکرات و نخست وزیر سابق، "آتونبایوا"، وزیر امور خارجه پیشین، از مخفی گاههایشان بیرون آمده اند، با ارتش و دستگاه مسلح موجود به سازش رسیده اند و مردم را به بازگشت به خانه دعوت میکنند. "اموریک تکبایف" و "شیرنیا زاف" ها از رهبران حزب ناسیونالیست آتامتن به اریکه قدرت باز گشتند! آیا مردم سلحشوری که چنین قهرمانانه دیکتاتور را شکست دادند به خانه هایشان خواهند رفت؟ آنچه تحلیل می توان گفت اینست که این نه شروع کار است نه پایان آن. چشم انداز عملی شدن خواسته های مردم به میزانی حد اقل نیز توسط احزاب و نیروهای سیاسی جلوی صحنه وجود ندارد. و مردمی که به خیابان آمده اند و مراکز و پایگاههای حکومتی را تسخیر کرده اند، اگر هم امروز مکشی کنند خیلی زود در برابر حاکمین جدید خود را ناچار به بیرون آمدن می بینند. و این بار با قدرت و تجربه ای بیشتر. *

کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7
Degrees West Freq: 10873
Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500
Fec: 3/4

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



راهپیمایی توسط مریم سازمان داده شد. او در این تظاهرات که در دفاع از حقوق جهانشمول انسانی و سکولاریسم برپا شده بود سخنرانی کرد. این تظاهرات همچنین در همبستگی با مردمی بود که در زیر قوانین اسلامی زندگی میکنند. همزمان در ۲۰ کشور اکیونهای مشابهی برگزار شد. از جمله در استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، مجارستان، اسرائیل، کنیا، نیجریه، صربستان، و مونتنگرو و سوئد.

۱۱ نوامبر- مصاحبه با نشریه "Secular Humanist League" of Brazil در مورد حقوق زنان، وضعیت زنان در ایران، قوانین شریعه و غیره.

۱۲- کتابی تحت عنوان "پنجاه صدا علیه بی ایمانی" در سال ۲۰۰۹ منتشر شد که با استقبال وسیعی روبرو شد. مریم نمازی یکی از کسانی است که نوشته اش یک بخش این کتاب را تشکیل میدهد.

اکتبر ۲۰۰۹- بی بی سی جهانی، با مریم در مورد قوانین شریعه مصاحبه میکند.

۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹- مریم نمازی نهاد "ایران سولیداریتی" را در سالنی در مجلس بریتانیا اعلام میکند و در این رابطه سخنرانی میکند. دیگر سخنرانان فریبرز پویا و پتر تاچل، ا. س. گریلینگ، و لرد دیک تاورن هستند.

۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹- اومانیهستهای سکولار لاتاکاشیر در بریتانیا در تجمعی که برگزار کرده بودند در مورد "یک قانون برای همه" سخنرانی کرد

ژوئیه ۲۰۰۹- بی بی سی در برنامه "woman's hour" با مریم مصاحبه ای در مورد زنان و برقع انجام داد

ژوئیه ۲۰۰۹- مجله Easy Living در مورد مریم نمازی و کارزارهای بین المللیش رپرتاژی را منتشر میکند

ژوئن- اومانیهستهای اسکس در انگلستان تجمعی را سازمان دادند و مریم نمازی در این میتینگ در مورد کمپین "یک قانون برای همه"

مریم نمازی در یک سال گذشته ... از صفحه ۶

سیاسی در ایران مصاحبه ای انجام داد.

۲۵ فوریه- در کالج لینکلن در آکسفورد مریم نمازی در مورد اخلاق و آزادی و اینکه قوانین شریعت چگونه علیه اینهاست سخنرانی داشت

۱۱ فوریه- در تظاهراتی مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن سخنرانی کرد

۱۰ فوریه- در فستیوال حقوق بشر در دانشگاه کینگستون سخنرانی در مورد اوضاع ایران و حقوق بشر

۷ فوریه- در نشریه اکسپرس در مقاله ای در مورد قوانین شریعه به گفته های مریم نمازی استناد میشود.

۱ فوریه- مقاله مریم در مورد قوانین شریعه در نشریه "آیندپندنت جهانی" منتشر شد

۳۱ ژانویه- بحثی با شرکت مریم در رادیوی "نیوز تالک ایرلند" در مورد ممنوعیت برقع صورت گرفت

۲۸ ژانویه- مریم در یک ضیافت شام برای جمع آوری کمک مالی توسط شورای اکس مسلم بریتانیا سخنرانی کرد. اومانیهست مشهور "ا.س. گریلینگ" یکی از سخنرانان این مراسم بود.

۲۶ ژانویه- در کالج حقوق دانشگاه دوپلین مریم در مورد تناقض میان برابری و حقوق زنان با اکثر مذاهب اصلی دنیا سخنرانی کرد

۲۵ ژانویه- در میتینگی که توسط گروه اومانیهست غرب لندن در ریچموند برگزار شده بود مریم تحت عنوان "شریعت علیه حقوق بشر" سخنرانی داشت

۲۷ نوامبر- در کنفرانسی در شهر مالمو سوئد مریم در کنفرانسی تحت عنوان "صدایی از زنان بی صدا" سخنرانی کرد.

۲۲ نوامبر ۲۰۰۹- رادیوی بی بی سی ۴ با مریم در مورد قوانین شریعه و راهپیمایی ۲۱ نوامبر مصاحبه کرد

۲۱ نوامبر ۲۰۰۹- یک تجمع و

کمپین های او را طی یک سال گذشته بطور تیتروار منعکس میکنیم:

۱۵ مارس ۲۰۱۰- مریم نمازی با رادیوی "بی بی سی ورلد" یعنی بخش بین المللی رادیوی بی بی سی مصاحبه ای در مورد قوانین شریعه انجام داد.

۱۴ مارس- روزنامه انگلیسی گاردین در بحثی در مورد قوانین شریعه نقل قولی از مریم نمازی را ذکر کرد.

دوشنبه ۸ مارس- در سمیناری که توسط "یک قانون برای همه" در رابطه با هشت مارس سازمان داده شده بود، سخنرانی کرد. سمینار مسائل پیرامون قانون شریعه را مورد بحث قرار داد و نکاتی را برای ممانعت از پیاده کردن این قوانین در بریتانیا توصیه کرد. یک گروه کاری سازمان داده شده که روی اصلاح قوانین برای جلوگیری از دادگاههای شریعه کار کند. این سمینار در "کانوی هال" در لندن برگزار شد

۷ مارس- روزنامه هرالد اسکاتلند خبری را انتشار داد در مورد اینکه یک جمع از وکلای اسکاتلند برای اولین بار در تاریخ این منطقه سرویس خدمات سنتی و مشاوره در چارچوب قوانین شریعه را آغاز کرده اند. در این گزارش اما بعنوان جنبش مخالفان قوانین شریعه از مریم نمازی نقل قول آورده شده که میگوید "قوانین شریعه آنچه هم که این شرکت میگوید بی آزار نیستند. این قوانین اساسا تبعیض گراست. شریعت با قوانین حقوقی ای که جنبش های پیشرو برای آن بسختی مبارزه کرده اند و آنها را با مشقت به عمل در آورده اند، کاملا در تناقض است." در این روزنامه به جنبش "اکس مسلم" اشاره میشود و اینکه مریم نمازی در روز جهانی زن در لندن سخنرانی دارد.

۶ مارس- مریم نمازی در یک پیکت که توسط "ایران سولیداریتی" در میدان ترافالگار برپا شده بود، در رابطه با روز جهانی زن سخنرانی کرد.

۱ مارس- رادیوی نیوجرسی آمریکا در مورد هشت مارس و موقعیت

سخنرانی کرد استرند کانادا در مورد "یک قانون برای همه"

۲۱ مه- در میتینگی که توسط اومانیهستهای آکسفورد سازمان یافته بود مریم نمازی در مورد "یک قانون برای همه" سخنرانی کرد

۱۷ آوریل- مریم نمازی در مورد اسلام، حقوق انسانی، و ضدیت با همجنس گرایان در انجمن همجنس گرایان سخنرانی کرد

۵ و ۴ آوریل- در کنفرانس بین المللی در مورد سکولاریسم در پاریس مریم یکی از سخنرانان در مورد سکولاریسم و مذهب بود.

۲۹ مارس ۲۰۰۹- سخنرانی در

سایت حزب: www.wpiran.org
 سایت روزنه: www.rowzane.com
 نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
 سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
آدرس تماس با حزب:
 Tel: 0046-739318404
 Fax: 0046-8 6489716
 Email: markazi.wpi@gmail.com
تلفن تماس با حزب در خارج از کشور
 خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹
تلفن تماس با حزب از ایران
 شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۹۶۸
 آدرس پستی:
L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

چند خبر از مبارزات و اعتراضات کارگران

اولتیماتوم کارگران شرکت سازمایه

بنا به گزارشها حدود ۲۰۰ نفر از کارگران اخراجی شرکت سازمایه بدلیل تعطیل کردن کارخانه حقوق و مزایای چند ماهه خود را نگرفته اند. این کارگران در همین رابطه قبل از سال جدید تجمعی اعتراضی برپا کردند و در آن اولتیماتوم دادند که اگر مدیریت تا بعد از تعطیلات نوروزی طلب های آنها را پرداخت نکنند، در فاصله ۲۵-۱۵ فروردین بهمراه خانواده هایشان در مقابل کارخانه دست به تجمع بزنند و تا گرفتن کامل طلبهایشان به تجمعات خود ادامه دهند. گزارشهای بعدی حاکی از اینست که این کارگران در تدارک حرکتی اعتراضی برای گرفتن حقوق های خود هستند.

کارخانه سیلان پارچه اردبیل

حدود ۱۵۰ نفر از کارکنان کارخانه سیلان پارچه اردبیل قبل از ظهر دپروز ۱۸ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هفت ماهشان در مقابل ساختمان استانداری اردبیل تجمع کردند. این کارخانه با تسهیلات زود بازده تاسیس شد و در مراسم افتتاح آن گفته شد کارخانه یاد شده حداقل ۵ هزار نفر از تعداد بیکاران استان را در آینده نزدیک کاهش خواهد داد اما اکنون همچون چند کارخانه مشابه دیگر کارکنان خود را به حدود ۱۵ درصد تقلیل داده و آنها نیز دچار مشکلات هستند.

تجمعات اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز علیه اخراجها

کارگران لوله سازی اهواز روز ۱۱ فروردین در ادامه اعتراضات خود در مسجد کارخانه تجمعی اعتراضی برپا کردند. بنا به گزارشها روز ۱۰ فروردین هنگامیکه کارگران لوله سازی اهواز با پایان تعطیلات نوروزی خود به کارخانه بازگشتند، متوجه شدند که نه تنها عیدی و پاداشی به آنها تعلق نگرفته است، بلکه حدود ۲۰۰ نفر از کارگران قراردادی از کار اخراج شده اند. این درحالیست که کارگران این کارخانه

حدود ۱۴ ماه است که دستمزد نگرفته اند و در رابطه با همین موضوع یک هفته قبل از ۲۲ بهمن در مقابل منزل امام جمعه اهواز تجمعی اعتراضی برپا کردند. که با حمله نیروهای انتظامی رژیم به فرماندهی سرهنگ خلفی روبرو شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. این بیکارسازنها بخشی از کارگران با سابقه را نیز دربرمیگیرد و کارگران را بشدت در مضیقه مالی گذاشته است. بعد از ظهر ۱۱ فروردین کارگران این کارخانه در مسجد کارخانه تجمع کردند و اعلام داشتند که همه کارگران اخراجی باید به سرکار بازگردند و حقوقها پرداخت شود و گرنه اعتراض خود را ادامه خواهند داد. در این روز قرار بود مدیریت کارخانه در جمع کارگران حاضر شود و پاسخ آنها را بدهد. اما مدیریت حاضر نشد. لذا کارگران برای شکایت به مقابل استانداری رفته و در آنجا به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. ابتدا با کارگران برخوردهای اهانت آمیز میشد، اما بعد که اتحاد و اعتراض جدی کارگران را مشاهده کردند، از کارگران خواستند ۳ تا ۴ نفر را به نمایندگی به داخل استانداری بفرستند. بعد از آن به کارگران قول داده شد که تا روز دوشنبه ۲۱ فروردین به آنها پاسخ داده خواهد شد. از جمله به کارگران وعده داده شد که آنها را بجای کارگرانی که قرار است بازنشست شوند، دوباره به کار خواهند گرفت. بدین ترتیب کارگران تصمیم گرفتند که تا ۲۱ فروردین صبر کنند و در صورتیکه به وعده های داده شده عمل نشود، در اشکال گسترده تر به اعتراضات خود ادامه دهند. همچنین در این روز، کارگران اخراجی در اعتراض به اخراج ها و ۱۴ ماه حقوق پرداخت نشده خود با نماینده مجلس اسلامی (به اسم سیدحسین شریفی) دیدار کردند. شریفی به کارگران قول داد که شکایت آنها را پیگیری خواهد کرد. او در حالی که از ادامه اعتراضات کارگران هراس داشت، با گفتن اینکه تجمع نکنید که سیاسی نشود، از کارگران خواست موضوع را بصورت آرام حل و فصل کنند.

معضل دستمزدهای پرداخت نشده در بخش عظیمی از مراکز کارگری

بنا به گزارشی در ۱۰ فروردین، کارگران ماینکس سایپای تهران دو ماه است دستمزد نگرفته اند. این وضعیت آنها در ایام سال نو و افزایش سرسام آور قیمتتها کارگران را بطور جدی در فشار و تنگنا قرار داده است. کارگران خواهان فوری دستمزدهایشان هستند. همچنین گزارشات منتشر شده حاکیست که کارگران کارخانجات محور جاده قیوم کرج چندین ماه است که دستمزدهایشان به تعویق افتاده است. این وضعیت جنب و جوش اعتراضی در مراکز کارگری در این منطقه را شدت داده است. از جمله این کارخانجات کارگران کارخانه صنایع فلزی هستند که در این رابطه بارها تجمع اعتراضی برپا داشته اند.

نیمی از عیدی کارگران رنگ سازی ایران به بهانه جرمه پرداخت نشد

بنا بر خبرهای منتشر شده، روز ۲۹ اسفند قرار بود به کارگران کارخانه رنگ سازی ایران مبلغ ۸۰۰ هزار تومان بعنوان عیدی پرداخت شود. اما در آخرین لحظه، به بهانه جرمه های نقدی که برای تعدادی از کارگران مشخص شده بود، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان از عیدی این کارگران کسر گردید. ۱۲۰ کارگر در این کارخانه کار میکنند که عمده آنها قراردادی هستند. هر کدام از این کارگران سالهاست که در آنجا کار میکنند و دستمزد ماهیانه آنها رقمی بین ۲۷۰ هزار تا ۲۹۰ هزار تومان است.

شرکت قند اصفهان در چند قدمی تعطیلی

شرکت قند اصفهان یکی از شرکت های بزرگ قند در سطح کشور است. بنا بر گزارشها دو قسمت اساسی این کارخانه هم اکنون تعطیل شده است. در این شرکت قبلا ۷۰۰ کارگر به کار اشتغال داشتند که تعداد آن به حدود ۴۰۰ نفر کاهش یافته است. این درحالیست که گفته میشود امسال تولید این کارخانه ۷۵

درصد کاهش یافته و خطر بیکارسازی بیشتری از کارگران وجود دارد. یکی از اعضای شورای کارگری این شرکت به خبرنگار آژانس ایران خبر در این رابطه میگوید: "مشکلات عمده کارگران ما بیمه تامین اجتماعی است. اگر کارگر دفترچه بیمه داشته باشد تازه به او به عنوان گدا نگاه می شود. در حالی که ۳۰ درصد حقوق کارگران بابت بیمه کم می شود. من ۱۸ سال است که دارم پول بیمه می دهم. در این مملکت در این شهر در این سازمان مشکل داریم. من دو تا پول بیمه دارم می دهم. چرا؟ یا بیمه را اختیاری کنند یا خصوصی. یک تناقض این وسط است. اکثر کارگران حداقل حقوق را می گیرند. ما پول بابت بیمه تامین اجتماعی می دهیم ولی به ما به عنوان فقیر نگاه می کنند. فکر می کنند مجانی دارند انجام می دهند. نمی توانند اداره را داریم."

دستمزدهای پرداخت نشده و لغو قراردادهای موقت در کارخانجات رشت

کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت دستمزد ماه های بهمن و اسفند و نیمه از عیدی و پاداش خود را هنوز دریافت نکرده اند. تحت فشار اعتراضات مکرر کارگران به کارگران وعده داده شده است که اموال کارخانه را توقیف و بفروش برسانند و از محل فروش آن طلبهای کارگران پرداخت شود. اما تا کنون اقدامی در این جهت صورت نگرفته است. کارگران بازنشسته این کارخانه نیز حقوق و سنوات خود را دریافت نکرده اند و هریک از آنها بین ۶-۶ میلیون تومان طلب دارند. کارگران خواهان فوری

طلبهایشان هستند. همچنین در کارخانجات ریسندگی ایران برک رشت در آستانه سال نو بیش از ۱۰۰ کارگر قراردادی از کار بیکار شدند. بازنشستگان کارخانه خاور رشت از سال ۸۱-۸۰ هنوز مطالباتشان را نگرفته اند. این در حالیست که مدیران کارخانه تا کنون به بهانه پرداخت طلب کارگران وامهای میلیاردی گرفته اند، اما اقدامی در جهت پرداخت طلب های کارگران صورت نگرفته است. کارگران به این مساله معترضند. همچنین در کارخانه دستمال کاغذی نوظهور درماه اسفند نصف حقوق کارگران به آنها پرداخت شد و مدیر کارخانه به بهانه کسری درآمد کارخانه پرداخت مزد کارگران را به تعویق می اندازد. در این شرکت حدود ۲۵۰ نفر کارگر به کار اشتغال دارند، که اکثر آنها کارگران قراردادی هستند. این کارخانه قبلا دولتی بوده که بدلیل ورشکستگی دولت این کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کرده است.

تدارک اعتصاب در صنایع اراک

بیش از ۱۵۰ کارگر صنایع اراک در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ۶ ماه خود و بیکارسازی تعدادی از آنان و حواله دادن کارگران اخراج شده به بیمه بیکاری جمهوری اسلامی، تهدید به تجمع در مقابل دفتر احمدی نژاد کرده اند. بنا بر خبر با واگذاری کارگران اخراجی به بیمه بیکاری عملا این کارگران که هر کدام سالها سابقه کار دارند و بعضا تا سه سال آینده بازنشسته میشوند، برای استفاده از حق بازنشستگی خود دچار مشکل میشوند. این موضوع بر اعتراض کارگران شدت داده است.

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعا توزیع کنید

سفارتخانه جمهوری اسلامی در لاهه هلند به اشغال مخالفین جمهوری اسلامی در آمد!

امروز ۶ آوریل گروهی از جوانان ایرانی و هلندی مخالف جمهوری اسلامی سفارت رژیم اسلامی در لاهه هلند را برای ساعاتی به تصرف خود در آوردند. معترضین با عبور از نرده های سفارت به داخل آن رفتند و محوطه بیرونی آن را تصرف کردند. مخالفین جمهوری اسلامی بر درب ورودی سفارت پلاکاردهایی را نصب کردند که از جمله بر روی آنها نوشته شده بود: "زنده باد آزادی" و "مرگ بر دیکتاتور!" جوانان معترض همچنین پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیده و به جای آن تصویری از ندا آقاسلطان نصب کردند. کارکنان سفارت به داخل ساختمان سفارت خزیدند و از پلیس کمک خواستند. پلیس از جوانان معترض خواست که سفارت را ترک کنند و در غیر آن صورت با یورش نیروهای پلیس



مواجه خواهند شد. یک شاهد عینی گفته است که همه معترضین از سوی پلیس دستگیر شده اند. حزب کمونیست کارگری به دوستانی که به نشانه همبستگی با مردم ایران و اعتراض به سرکوب ها و وحشیگری های جمهوری اسلامی اقدام به اشغال سفارت کردند درود می فرستد. دستگیری این دوستان باید با اعتراض همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان روبرو شود. دستگیری و بازداشت و محاکمه سزاوار رهبران و نمایندگان رژیم است که دستشان به خون مردم آغشته است و با این وجود بیشمارانه بعنوان

نمایندگان مردم ایران از سوی دول غربی برسیمت شناخته می شوند. سفارتخانه ها و دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی در همه کشورها باید بسته و برچیده شود. همه مراکز این رژیم جایتیکار در خارج کشور باید در حلقه خشم و اعتراض ما قرار گیرد. این تنها ضامن واقعی جازو کردن بساط این وحوش اسلامی در خارج کشور است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰۱۰ آوریل

ده خواست فوری مردم!

- حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:
- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- آزادی زندانیان سیاسی
- لغو مجازات اعدام
- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰۰۹ ژوئن ۲۶، تیرماه ۱۳۸۸

منصور اسانلو باید فوری و بیدرنگ آزاد شود!

اسانلو در دیمه سال ۱۳۸۴ دستگیر و ۸ ماه در زندان ماند. مجدداً در آبان ۱۳۸۵ دستگیر گردید و یکماه در حبس نگهداشته شد و بقید کفالت آزاد شد. اسانلو در تابستان سال ۱۳۸۶ چندی پس از بازگشت از اجلاس سالیانه اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF)، برای سومین بار دستگیر شد. ماموران امنیتی پیش از بازداشت در خیابان او را از اتوبوس پیاده کردند و بشدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

از ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۶ با قید پنج سال حکم زندان، وی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. در تاریخ سوم شهریور ۱۳۸۷ بنا به تصمیم وزارت اطلاعات، به بند پنج زندان رجایی شهر که محل نگهداری مجرمان خطرناک است منتقل شد. منصور اسانلو اکنون قریب به چهل و سه ماه است که در زندان بسر می برد. بدون اینکه حتی بیکروز توانسته باشد از مرخصی استحقاقی و استعلاجی استفاده کند.

منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد، فعال کارگری و یکی از زندانیان سیاسی شناخته شده است، بدرفتاری سیستماتیک با وی که از انواع بیماریها رنج میبرد بطور روزمره افزایش می یابد. پزشکی قانونی زندان او را به سبب بیماری های متعدد از سال گذشته شامل "عدم تحمل کيفر" تشخیص داد، اما اجرای این حکم با فشار وزارت اطلاعات هرگز بمرحله عمل در نیامد.

بی توجهی عامدانه و تحمیل آزار و اذیت و استرس بر زندانی که با ناراحتی قلبی دست و پنجه نرم می کند و بهیچ وجه تغذیه مناسبی ندارد و مداوماً با فشارعصبی روبرو است، محرومیت از نور خورشید برای بیماری که از ناراحتی جدی پوستی رنج میبرد، بیماری که سه بار چشمش مورد عمل جراحی قرار گرفته و از ناراحتی عمیق دیسک کمر و مشکلات ریوی رنج میبرد، رسماً اعمال شکنجه طراحی شده است!



در این بند پنج، زندانیانی هستند که بعلت مصرف مواد مخدر و انواع داروها دچار روانپریشی و اختلالات روانی و بجرم قتل در زندان هستند دو زندانی خطرناک به نامهای سیدمحمد حسینی و محمد برخی، که یکی از آنها سال گذشته هم به آقای اسانلو با چاقو حمله کرده بود. جزو این زندانیان هستند. یکی از همین افراد در تاریخ سوم اسفند به وی در زندان با چاقو حمله می کند که با وساطت هم بندی هایش از صدمه به وی ممانعت میشود. این عمل چندین بار دیگر هم تکرار میگردد و هر بار با هوشیاری دیگر هم بندی ها، او از خطر مرگ رهایی می یابد. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای تحت فشار قرار دادن خانواده اسانلو، وی را غیابا بعد از بیست و شش سال سابقه کاری، با حکم اخراج قطعی ازکار بیکار

میکند و با این وسیله موجبات فشار اقتصادی به وی و خانواده اش را تشدید می کند.

در اواخر اسفندماه، منصور اسانلو به یورشهای شبانه گارد زندان به بندهای دو، چهار و شش، که زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر هستند، اعتراض میکند و اینکار سبب میشود که علیرغم وضعیت وخیم جسمی بجای انتقال وی به بیمارستان و رسیدگی اضطراری، بمدت یک هفته از ۲۰ تا ۲۷ اسفند ماه به زندان انفرادی منتقل شود.

این رفتار غیر انسانی که با هیچ منطقی، جز سبوعیت خوی درنده جمهوری اسلامی قابل توجیه نیست باید هر چه سریعتر خاتمه یابد.

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

مسعود آذرنوش ۲۰۰ دلار	رضا پایدار ۵۰ دلار
کاظم نیکخواه ۵۰ پوند	سعید پرتو ۲۰ پوند
شیوا محبوبی ۲۰ پوند	اصغر کریمی ۲۰ پوند
شهلا دانشفر ۵۰ پوند	سهبیلا شریفی ۱۰۰ پوند
کریم شاه محمدی ۱۰۰۰ کرون	
رزگار رضائی ۱۰۰۰۰ کرون	
فاطمی، بهروز، ستاره، جنت، طاهره ۱۴۵۰ کرون	

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود انوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai

Konto. Nr.: 583657502

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank

4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green, Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779

BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

از صفحه ۱۱

پروژه ها کوتاه مدت نیست و اظهار امیدواری کرد که در این فاصله اداره مهاجرت درخواست جدید جمال را رد نکند.

در خاتمه خانم نوریکا درخواست کرد که کلیه سازمانها نهادها ارگانها و افرادی که در حمایت از جمال نامه ای مینویسند حتما یک نسخه از نامه های خود را برای او ارسال کنند تا آنها را بعنوان مدارک تایید کیس جمال برای اداره مهاجرت ارسال کند.

بنا به گزارش فرهاد حسینی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه روزهای مهمی در پیشبرد کمپین نجات جمال صابری از بازداشتگاه اداره مهاجرت و از خطر دیپورت به ایران بود. او در این روزها مجموعه وسیعی از دیدارها و ملاقات با شخصیتها و نهادهای مهم و تاثیر گذار در سیاست دولت ژاپن برگزار کرده است. از ملاقات با وزیر کابینه

خانم میزوهو فوکوشیما (Mizohu Fukushima) رهبر حزب سوسیالیست دمکراتیک و نماینده پارلمان آقای هاتتوری ریوجی (hattori Ryochi) ، معاون دبیر اتحادیه سراسری کارگران ژاپن آقای ناکاجیما هیروشی (Nakajima Hiroshi) ، رهبر جنبش ضد جنگ ژاپن آقای کن تاکادا (Takada Ken) ؛ تا مسئول روابط داخلی کمیساریای پناهندگان سازمان آقای شینجی کو کوبو (Shinji Kubo) ، دبیر سراسری امنستی در ژاپن آقای ماکوتو تراناکا (Makoto Teranaka) و مسئول بخش پناهندگی امنستی خانم هیروکا شوجی (Hiroka Shoji) و تعدادی از خبرنگاران روزنامه های ژاپنی، از جمله این ملاقاتها بوده است که در تمام آنها در خصوص وضعیت جمال صابری و اوضاع سیاسی ایران صحبت و گفتگو شده است.

ملاقات با نمایندگان اتحادیه های کارگری...

در ادامه به ضرورت کمک مالی از کمپین نجات جمال اشاره کردم و درخواست کردم که در این زمینه درست مانند نجات خود جمال تلاش کنند. گفتم نجات جمال به امکانات مالی عمیقاً گره خورده هر چه توان مالی کمپین نجات جمال بیشتر شود توانایی سازمان دادن فعالیتهای مهمتر و متنوع تر بیشتر میشود. در پاسخ دبیر مالی اتحادیه راه آهن گفت ما به این منظور یک صندوق کمک مالی ایجاد کرده و از اعضا و فعالین حتی در تظاهراتهای مان کمک مالی جمع آوری کرده و سپس به حساب کمپین نجات جمال واریز خواهیم کرد. امیدوارم بتوانیم کمک قابل توجهی برای این کمپین جمع کنیم.

پس از آن بحث های مفصلی در باره اوضاع ایران و ژاپن مبارزات کارگران در ژاپن انجام گرفت. کمپین جمال صابری با چفت شدن به شبکه بین المللی اتحادیه های کارگری به یک فاز و موقعیت بهتری رسیده است. باید برای ۹ مه آماده شد. باید سازمانها و اتحادیه های کارگری، سازمانهای مدافع حقوق انسانی در سراسر دنیا را برای این روز بسیج کرد. روز ۹ مه باید روز نمایش قدرت بین المللی ما علیه دولت ژاپن باشد باید روزی باشد که تمام دولتهای دنیا درس بگیرند که نمیتوانند با مخالفین حکومت اسلامی و با انسانهایی که در جستجوی یک زندگی بهتری هستند برخوردی غیر انسانی داشته باشند. فرهاد حسینی

فرهاد حسینی همچنین ملاقاتی با خانم نوریکو وکیل جمال صابری داشته است. در این دیدار خانم نوریکا ضمن قدردانی از فعالیتهای کمپین جمال گفت به نظر من یک فشار همه جانبه سیاسی و بین المللی میتواند در نجات جمال موثر واقع شود.

بعد از آن در رابطه با امکان آزادی موقت جمال بطور مفصل صحبت شد و خانم نوریکا توضیحاتی در باره چگونگی امکان قانونی آزادی موقت جمال دادند و تاکید کردند که بهر حال اجرای این

حرفهای من اظهار داشتند ما از طریق جمال در جریان اوضاع سیاسی ایران بودیم. همراه با جمال در اعتراض علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از انقلاب مردم ایران در تظاهراتهای متعددی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی فعالانه شرکت داشتیم. ما در کنار و پشتیبان انقلاب شما هستیم. با تمام قوا برای نجات جمال تلاش میکنیم. ما با یک شبکه وسیع از اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در جهان ارتباط فعال و متقابل داریم. از این شبکه درخواست کردیم که برای نجات جمال یک کمپین بین المللی سازمان دهیم. آنها نیز با درخواست ما موافقت کرده و ما این کمپین را در سطح اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف پیش خواهیم برد. دبیر اتحادیه سراسری راه آهن توضیح داد که ما در حمایت از جمال صابری دو تظاهرات را به تاریخ ۱۸ آوریل در غرب ژاپن و ۹ مه در شرق ژاپن سازمان داده ایم. من پیشنهاد دادم تظاهرات ۹ مه را به یک تظاهرات بین المللی تبدیل کنیم. با هماهنگی با کمپین نجات جمال میتوانیم اعتراض ۹ مه را به یک اعتراض وسیع بین المللی علیه دولت ژاپن تبدیل کنیم. این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت و قرار شد که با شبکه بین المللی اتحادیه های کارگری نیز فراخوان داده شود که در روز ۹ مه مشترکاً در همه کشورها، روز اعتراض به سیاستهای ضد انسانی مهاجرت در ژاپن و روز حمایت از جمال صابری اعلام شده و اقدامات مشترکی را در کشورهای مختلف پیش ببریم. در همین زمینه قرار شد از این به بعد در ارتباط متقابل با هم قرار گرفته و فعالیتهای مربوط به کمپین نجات جمال را با هماهنگی هم پیش ببریم. دبیر اتحادیه راه آهن اعلام کرد که در ماه سپتامبر سال جاری ما یک کنفرانس جهانی در باره وضعیت جنبش کارگری در دنیا داشته و در روز ۷ سپتامبر یک تظاهرات همبستگی در ژاپن داریم و همینجا از شما دعوت میکنیم که برای شرکت در این کنفرانس و این تظاهرات به ژاپن بیایید و با ما همراه شوید.



... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاپی بدل میشود!



جمال صابری

عنوان جنبش کارگری در بستر انقلاب (نگاهی به گذشته، حال و آینده) داشته باشم. این سمینار در محل اتحادیه کارگران آزاد ژاپن در توکیو و جهت معرفی اعضا و فعالین و کارگران و جوانان ژاپنی به اوضاع سیاسی و وضعیت جنبش کارگری در ایران و سیر انقلاب در ایران برگزار میشود.

حمایت پرشور اتحادیه کارگران آزاد ژاپن از کمپین نجات جمال یک گام موفق دیگری در کمپین نجات جمال است. به سهم خود تلاش میکنیم که وسیع ترین سازمان ها و اتحادیه های کارگری در ژاپن را در حمایت از جمال بسیج کنیم. در عین حال لحظه ای فشار خود را به روی اداره مهاجرت و وزارت دادگستری بر نمیذاریم.



نیست. این انقلابی برای رهایی برای آزادی، برای خلاصی از شر استبداد و بی حقوقی، برای برچیدن بساط اعدام و شکنجه از ایران و حتی دنیا، برای جارو کردن مذهب و اسلام سیاسی از قدرت سیاسی در تمام دنیا، برای دفاع از ارزش و حرمت انسانی است. شعارش يك نژاد فقط نژاد انسانی است. جمال سفیر این انقلاب در کشور شماس است. جمال نماینده نجات کبری رحمانپورها و فرزند کمانگرها در ژاپن است نباید اجازه بدین سفیر چنین انقلاب انسانی را به زندان بیفکنند.

نمایندگان ضمن استقبال گرم از

حمایت گرم و پرشور اتحادیه کارگران آزاد ژاپن از کمپین جمال صابری. جمال سفیر کارگران ایران در ژاپن بود گزارش فرهاد حسینی از ژاپن، ۵ آوریل ۲۰۱۰

تمام اعضای کمیته قرار گرفت. پس از صحبت های من کمیته وارد شور و مشورت شد. کلیه اعضای کمیته اجرایی اتحادیه کارگران آزاد ژاپن توافق داشتند که باید کمپین نجات جمال را قاطعانه مورد حمایت قرار دهند. قرار گذاشته شد مجموعه اقداماتی را برای نجات جمال فوراً در دستور بگذارند. از جمله دخیل کردن افراد و نهادها و اتحادیه های کارگری دیگر به ویژه اتحادیه سراسر ژاپن در این کمپین. قرار شد يك مجموعه فعال در این زمینه در سطح اتحادیه کارگری فعال شود. در خاتمه نیز مبلغ ۵۰۰۰۰ ين بعنوان کمک مالی به کمپین پرداخت کردند.

در آخر جلسه کمیته اجرایی اتحادیه آزاد کارگران ژاپن از من برای شرکت در سمیناری در باره اوضاع سیاسی و جنبش کارگری در ایران دعوت کرد. من این دعوت را پذیرفتم و قرار شد روز پنجشنبه ساعت ۷ بعدازظهر این سمینار با

در ایران میکند. با این اقدام، زندان امیگریشن ژاپن با زندان های مخوف جمهوری اسلامی در تهران و سایر شهرها متصل میشود. تلاش برای آزادی جمال از زندان اداره مهاجرت درست مانند تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران است که در شکنجه گاهها قرار گرفته اند. مبارزه برای نجات جمال به این اعتبار با مبارزه در دفاع از انقلاب مردم ایران گره میخورد. دولت ژاپن نمیخواهد جمال را آزاد کند، اما اتحادیه های کارگری سازمان های مدافع حقوق انسانی و مردم شریف و آزادیخواه ژاپن میتوانند و باید جمال را آزاد کنند. آزادی جمال نه دست دولت ژاپن که دست تك تك شماس، نیرو و اراده فعالیت عملی شما میتواند درب های آهنین زندان را به روی جمال باز کند. پس باید عجله کرد. لطفاً از همین الان نقشه بریزید و هر امکان عملی را به کار بگیرید تا جمال را آزاد کنیم. فکر کنید یکی از اعضای حاضر در این نشست را الان در بازداشت قرار داده اند. در خاتمه به هزینه سنگین و کمر شکن این کمپین اشاره کردم و درخواست کردم که هر مبلغی میتوانید این کمپین را از لحاظ مالی تقویت کنید. کمک مالی شما نیز مانند سایر اقدامات شما میتواند این کمپین را در سطح بین المللی با قدرت هر چه بیشتری به پیش ببرد.

صحبتهای من مورد استقبال

رژیم اسلامی با تمام قوا تلاش میکند حکومت جنایت و بی حقوقی خود را حفظ کند. تمام توان و دستگاه سرکوبش را برای سرکوب این انقلاب به کار گرفته است. اما این انقلاب همچنان با قدرت بیشتری به جلو میرود. این انقلاب با پیروزی اش دنیا را تکان خواهد داد. معادلات سیاسی را در دنیا تغییر داده و ایرانی که اکنون پایتخت اعدام و تروریسم اسلامی است به مرکز حمایت از گسترده ترین حقوق مدنی و انسانی بدل خواهد شد. ما ایران را به بزرگترین پایگاه دفاع از حقوق انسان ها، به بزرگترین حامی کارگران دنیا بدل خواهیم کرد و حمایت اتحادیه های کارگری دنیا از این انقلاب بسیار حیاتی و مهم است. اما اجازه دهید در باره جمال صابری صحبت کنم. درست در بحبوحه این انقلاب و تلاشهای گسترده رژیم اسلامی برای سرکوب آن، جمال یکی از دوستان شما و یکی فعالین شناخته شده سیاسی توسط اداره مهاجرت ژاپن دستگیر و در خطر دیپورت قرار میگردد. هم برای شما، هم برای دولت ژاپن و هم برای جمهوری اسلامی روشن است که جمال سنگر دفاع از این انقلاب در ژاپن است. دستگیری جمال در ادامه همان سیاست سرکوب خونین مردم توسط جمهوری اسلامی انجام میگردد. با جمال در ژاپن همان رفتاری میکنند که رژیم اسلامی ایران با مخالفینش

در ادامه کمپین نجات جمال صابری از زندان اداره مهاجرت ژاپن. امروز دیدار مفید و موثقی با اتحادیه کارگران آزاد ژاپن در توکیو داشتم. ابتدا با مسئول اتحادیه آقای یاماگچی در خصوص وضعیت جمال صابری، اوضاع سیاسی ایران و ضرورت حمایت قاطع اتحادیه های کارگری از کمپین نجات جمال مفصل صحبت کردم. آقای یاماگچی گفتند که جمال صابری یکی از فعالین شناخته شده سیاسی است که در اکثر میتینگ ها و جلسات ما حضور فعال داشته و با حرارت از انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و کارگران در ایران صحبت کرده و دفاع کرده است. ما هیچگاه چهره پرشور و انقلابی جمال را فراموش نمیکنیم. جمال برای ما سفیر کارگران ایران در ژاپن بوده و ما قاطعانه از حق جمال برای اقامت در ژاپن دفاع کرده و برای نجاتش از بازداشتگاه اداره مهاجرت هر کاری در توان داشته باشیم انجام خواهیم داد. در ادامه و به دنبال صحبت های من آقای یاماگچی دعوت کرد تا در جلسه کمیته اجرایی اتحادیه شرکت کنم.

ساعاتی بعد در جلسه کمیته اجرایی اتحادیه کارگران آزاد ژاپن شرکت کردم. در ابتدا ضمن معرفی خود گفتم: ایران اکنون در آستانه يك انقلاب زبرو روکننده قرار گرفته است. جمهوری اسلامی در زیر اراده آهنین و عظیم مردم در حال خرد شدن است.

شبکه بین المللی اتحادیه های کارگری در حمایت از کمپین آزادی جمال صابری فعال شدند!

ملاقات با نمایندگان اتحادیه های کارگری

در ادامه کمپین نجات جمال صابری در ژاپن امروز ملاقات مهم و پرباری با نمایندگان اتحادیه های کارگری در ژاپن داشتم. در این ملاقات با اعضای مسئول اتحادیه سراسری کارگران راه آهن ژاپن و کمیته همبستگی بین المللی و سازمان حمایت از مهاجرین در ژاپن دیدار و بحث و گفتگوی مفصلی داشتم. در این ملاقات آقای تاناکا

یاسوهیرو دبیر اتحادیه راه آهن، یاماموتو هیرویوکی دبیر کمیته همبستگی بین المللی و دبیر مالی اتحادیه راه آهن، آقای ستو تاداشی و آقای کازاکی از اعضای مسئول کمیته همبستگی بین المللی و خانم سوگامه از اعضای مسئول سازمان حمایت از مهاجرین به نام اوشیکو شرکت داشتند. در ابتدا به معرفی خود پرداختم. من فرزند انقلابم. در جریان انقلاب اوان نوجوانی به فعالیت سیاسی پرداختم و همواره اهداف این انقلاب برای آزادی رهایی کامل مردم از یوغ ستم استبداد و سرمایه زندگی سیاسی من را شکل میداده است. من فرزند افق پایان

سخنرانیهای مینا احدی در ماه آوریل



سخنرانی در شهر هانوفر
آلمان - ۲۹ ماه آوریل

سه روز سخنرانی در ایتالیا
از ۱۴ تا ۱۶ آوریل

من از مذهب رویگردانم. این موضوع سخنرانی مینا احدی در شهر هانوفر آلمان است.

روز ۲۹ آوریل یک جلسه سخنرانی، معرفی کتاب و پاسخ به سوالات برگزار میشود که در آن مینا احدی کتاب خود به اسم من از مذهب رویگردانم را معرفی کرده و بخشهایی از کتاب را میخواند. محل این جلسه و ساعت شروع:

Uhr 19.29.04
Stadtteilzentrum
KroKuS
Ort: tadtteilzentrum
KroKuS
30539 Hannover
Thie 6

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۲۰ آوریل ۲۰۱۰

اندر علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علی پور و جلیل احمدی و همچنین منصور اسانلو و ابراهیم مددی را میتوانیم آزاد کنیم و با افتخار و شکوه در برابر چشمان حاکمین بر سر دست بلند کنیم. اول مه روز اعلان این جنگ گسترده طبقاتی است. اول مه باید روز اولتیماتوم برای آزادی همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشد. *

به دعوت سازمانهای ایرانی و ایتالیایی مدافع حقوق انسانی، مینا احدی در روزهای ۱۴ تا ۱۶ آوریل مهمان ایتالیا است و در چندین برنامه سخنرانی حضور خواهد داشت. از جمله این برنامه ها سخنرانی در فستیوال فیلم در ایتالیا است. بعد از نمایش فیلمی در مورد اعتراضات اخیر در ایران، مینا احدی یکی از سه سخنرانی خواهد بود که به ارزیابی جنبش اعتراضی اخیر در ایران پرداخته و به سوالات حاضرین پاسخ خواهد داد.

مینا احدی همچنین در روز ۱۵ آوریل در یک مدرسه سخنرانی خواهد کرد و در روز ۱۶ آوریل در یک برنامه تلویزیونی دو ساعت به سوالات پاسخ خواهد داد.

زندانیان، هم در ایران و هم در جهان پژواکی فوری و بسیار گسترده بیابند. بدون تردید حرکت کارگران برای آزادی کارگران زندانی با حمایت وسیع و میلیونی مردم در همه جا همراه خواهد شد. میتوان با یک حرکت نقشه مند برآستی مشت محکمی به دهان سران حکومتی زد که در روز روشن و با وقاحت تمام دارند به کارگران دهن کجی میکنند. رقفا و همکاران مان در درون زندانها نباید احساس کنند که تنها مانده

برای آزادی کارگران زندانی دست بکار شوید!

کاظم نیکخواه

به عقب نشینی کرده اند. چرا نباید امروز در حالیکه رهبران و همکارانشان در زندانند، اتحاد و قدرت خویش را به نمایش بگذارند و حرکت گسترده ای را برای آزادی آنها به جریان اندازند؟ طبیعا محاسبه جمهوری اسلامی این بوده است که با دستگیری این کارگران، توده کارگران هفت تپه قدرت حرکت سازمانیابی و حرکت یکپارچه خود را از دست خواهند داد. اما حقیقت اینست که کارگران نمیتوانند جمع شوند. تجربیات با ارزشی از دور قبلی اعتراضاتشان دارند و با اتکا به آنها اما این مساله فقط مساله کارگران هفت تپه نیست. این حکومت با دستگیری این کارگران به کل کارگران اعلان جنگ داده است. هم اکنون علاوه بر کارگران هفت تپه، منصور اسانلو و ابراهیم مددی نیز در زندانند. و درست در همین شرایط سران این حکومت با وقاحت تمام دم از کارگر پناهی و مردم پناهی میزنند. آزاد کردن کارگران زندانی مبرمترین امر کارگران در شرایط کنونی است که میتواند کل تعرضات حکومت و کارفرمایان به کارگران را متوقف کند و توازن قوا را به نفع کارگران و جامعه تغییر دهد. آزاد کردن کارگران زندانی برآستی باید به مشغله همه کارگران تبدیل شود. این حکومت جانی و منحوس سرمایه داران را با حرکت گسترده کارگری میتوان به زانو در آورد. میتوان پیشمانشان کرد. میتوان کاری کرد که رهبر و ولی فقیه شان بیاید و از کارگران عذر خواهی کند. این امری کاملا امکان پذیر است. جمهوری اسلامی بشدت از کارگران وحشت دارد. هر جا که کارگر جمع میشود و

این روزها خبر مرخصی یک هفته ای کارگران زندانی نیشکر هفت تپه علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علی پور، و جلیل احمدی منتشر شد. سه تن از این کارگران بجز علی نجاتی در روز ۱۴ فروردین به زندان بازگردانده شدند و علی نجاتی یک هفته دیگر باید به زندان برگردد. جرم این کارگران این بوده است که برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خود و همکارانشان در کارخانه نیشکر هفت تپه اعتراض کرده اند و در اعتراضات شرکت کرده اند. جرم این کارگران اینست که کارگران را سازمان داده اند و سندیکای کارگران را نمایندگی کرده اند. هزاران کارگر نیشکر هفت تپه در سال گذشته و سال قبل از آن دهها بار دست به تجمع و اعتراض و راهپیمایی زدند، و بسیاری از خواستهای برحق خود را به حکومت و کارفرما تحمیل کردند، اما جانیان حاکم با پایان یافتن اعتراضات و اعتصاب کارگران، سراغ رهبران و فعالین رفتند و شماری را دستگیر کردند. خود همین واقعیت دارد آشکارا این را بیان میکند که میشود این کارگران را آزاد کرد. جمهوری اسلامی در گرماگرم اعتراضات جرات نکرد کارگران را زندانی کند و مجبور به عقب نشینی شد. همین خود دلیل آشکاری بر اینست که کارگران میتوانند با اولتیماتوم و فراخوان به مردم برای پشتیبانی حکومت را به عقب نشینی وادارند و رهبران و همکارانشان را آزاد کنند. این حکومت حق ندارد کارگر معترض و حق طلب را دستگیر کند. کارگران هفت تپه قدرت خویش را بارها با حاکمین نشان داده اند و آنها را وادار

سخنرانی در کالج گولدسمیت در لندن انگلستان شرایط زندانیان سیاسی در ایران

و عفو بین الملل کالج گولدسمیت برگزار میشود. ما از همه دعوت میکنیم در این جلسه شرکت کرده و این آفیش را برای دوستان و آشنایانتان ارسال دارید.

همبستگی با ایران شیوا محبوبی: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران روزالین وارن: عفو بین الملل کالج گولدسمیت

این جلسه توسط "دانشجویان لندن در همبستگی با ایران"، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

زمان: سه شنبه ۲۷ آوریل ۲۰۱۰
مکان: Goldsmiths College,
Lewisham Way, New
Cross, London SE14 6NW
[http://www.gold.ac.uk/
find-us/](http://www.gold.ac.uk/find-us/)

سخنرانان:
کارل دروت: دانشجویان لندن در

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جمهوری انسانی است!

جمهوری سوسیالیستی،